



درمیگروی با حضومت تخصصی و تلاش ناسان بررسی شد

جشن نوی الگوهای برتو تدریس تربیت بدنی گذشته، حل و ننده



تهیه و تدوین: نصرالله دادار
عکس: غلامرضا بهرامی

«جشنواره‌ی الگوهای برتر تدریس تربیت بدنی» چگونه شکل گرفت؟ چه مسیری را ادامه داد؟ و اکنون از چه موقعیتی برخوردار است؟ نقاط قوت و ضعف این جشنواره چیست؟ چه مسیری را باید در آینده طی کند؟ میزان موفقیت آن چه قدر بوده است؟ آیا تاکنون ارزیابی از این جشنواره انجام گرفته است؟ و...؟
فصل نامه‌ی رشد آموزش تربیت بدنی به منظور بررسی ابعاد گوناگون «جشنواره‌ی الگوهای برتر تدریس تربیت بدنی» میزگردی با حضور آقایان دکتر علیرضا رضانی عضو هیئت علمی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، رضا رفیعیانی دبیر و سرپرست اداره‌ی کل تربیت بدنی مدارس و جواد آزمون عضو شورای تحریریه مجله رشد تربیت بدنی و دانشجوی دوره‌ی دکتری تربیت بدنی و سرکار خانم فریبا محمدیان دبیر و دانشجوی دوره‌ی دکتری تربیت بدنی برگزار کرده است که در ادامه از نظر شما می‌گذرد.



نظر شخصی من و اکثر کسانی که

به مرحله‌ی کشوری جشنواره آمده‌اند از جمله داوران جشنواره، این است که اگر یک معلم تربیت‌بدنی موظف باشد که ۲۴ ساعت کار بکند و ۱۲ ساعت اضافه‌کار بگیرد، این‌طور نیست که دقیقاً در این ۳۶ ساعت برنامه‌ی تربیت‌بدنی را پیاده می‌کند، زیرا آن‌چه در یک محیط رقابتی و رسمی انجام می‌شود با آن‌چه که در شرایط معمولی رخ می‌دهد یکی نیست. معلم، در جشنواره، با شناختی که از امتیاز حرکت‌ها دارد، حرکاتی حساب شده انجام می‌دهد تا بتواند امتیاز بیشتری بگیرد. همان‌طور که خود من هم در این‌جا چون می‌دانم صحبت‌هایم ضبط می‌شود، سعی می‌کنم با دقت بیشتری حرف بزنم. بر همین اساس است که من برگزاری جشنواره را به شکل کنونی در دوره‌های راهنمایی و متوسطه درست نمی‌دانم. این هدر رفتن منابع است. اگر قرار است حرکت جدیدی انجام شود، دوستان باید یک برنامه و فعالیت جدیدی را برای کیفیت‌بخشی و غنی‌سازی برنامه‌ی درس تربیت‌بدنی تعریف کنند.

به‌هرحال، تأکید من برای برگزاری جشنواره‌ی الگوی برتر تدریس در دوره‌ی ابتدایی است. معلمان تربیت‌بدنی در دوره‌های راهنمایی و متوسطه، با توجه به سپری کردن دوره‌های کاردانی، کارشناسی و یا کارشناسی ارشد، طبیعتاً با دیدن، پریدن و چیزهایی که یک معلم تربیت‌بدنی باید بداند، آشنا هستند و می‌دانند که یک «طرح درس» را چگونه تنظیم و اجرا کنند. این موضوع بیشتر در دوره‌ی ابتدایی احساس نیاز می‌شود. معلم تربیت‌بدنی دوره‌ی راهنمایی و متوسطه باید ۳۶ ساعت طرح درس بدهد، ولی معلم پایه‌ی اول تا پنجم ابتدایی فقط هفته‌ای یک‌بار و به مدت دو ساعت فرصت دارد که طرح درس را پیاده کند، پس او

آزمون: خوب است از تاریخچه‌ی جشنواره‌ی الگوهای برتر تدریس تربیت‌بدنی شروع کنیم و آقای رفیعی به‌عنوان سرپرست اداره‌ی کل تربیت‌بدنی مدارس بفرمایند که این جشنواره چگونه شکل گرفت، چه مسیری را طی کرد و اکنون در چه وضعیتی است تا در ادامه به نقد و بررسی آن پرداخته شود.

رفیعی: در ابتدا جا دارد یاد کنم از آقایانی که برای اولین بار در تاریخ آموزش و پرورش ما، زنگ برنامه‌ریزی برای درس تربیت‌بدنی را نواختند. خوشبختانه امروز درس تربیت‌بدنی در آموزش و پرورش از یک محتوای کامل و متقن برخوردار است. دوره‌ی ابتدایی دارای برنامه‌ی درس تربیت‌بدنی است و کتاب راهنمای معلم دارد و کارها دقیقاً براساس برنامه پیش می‌رود.

در گذشته، آن‌طور که باید به درس تربیت‌بدنی توجه نمی‌شد. متأسفانه در حال حاضر هم، بالغ بر ۷۰ درصد منابع را صرف کارهای فوق‌برنامه، که همان مسابقات باشد، می‌کنیم. اما امسال ما برنامه‌ی جامعی را که تنظیم شده است با بازگشایی مدارس به استان‌ها ابلاغ کردیم.

یکی از فعالیت‌هایی که به غنی‌سازی برنامه‌ی درس تربیت‌بدنی کمک می‌کند، برگزاری جشنواره‌ی الگوهای برتر تدریس تربیت‌بدنی است که در سال تحصیلی قبل هم برگزار شد. اما من، براساس اظهارات و نظرات داوران و افرادی که به مرحله‌ی کشوری راه پیدا کرده‌اند، معتقدم که برگزاری این جشنواره در دوره‌های راهنمایی و متوسطه خیلی کارساز و مؤثر نیست. کار مهم‌تر این است که، همان‌طور که از اسم جشنواره بر می‌آید، ما باید برترین الگوهای روش تدریس را شناسایی کنیم و آن‌ها را در قالب یک بسته در اختیار معلمان قرار دهیم تا آن‌ها بتوانند براساس این بسته به اجرای درس تربیت‌بدنی بپردازند.

محمدیان:

ممکن است یک مدل یا طرح درس در یک کلاس جواب بدهد و در کلاس دیگر جواب ندهد

با جان و دل یک هفته انتظار می‌کشد که طرح درس را پیاده کند. ما با توجه به محدودیت منابع مالی که وجود دارد نمی‌توانیم برای مدارس ابتدایی، معلم متخصص تربیت‌بدنی بگذاریم. اگر چه شورای عالی آموزش و پرورش مصوبه دارد مبنی بر این که اگر آموزگاران پایه‌ی اول تا سوم ابتدایی صلاحیت تدریس درس تربیت‌بدنی را داشتند توسط آن‌ها و در غیر این صورت توسط معلمان متخصص تربیت‌بدنی انجام شود.

ما در حال حاضر در دوره‌ی ابتدایی، در پایه‌های چهارم و پنجم با احتساب ۲ ساعت تدریس، با کمبود ۴۱۹۷ و در پایه‌های اول تا سوم با کمبود ۷۶۰۲ نفر معلم متخصص روبرو هستیم که جمعاً حدوداً ۱۲ هزار نفر می‌شود

که تأمین آن به راحتی ممکن نیست، تنها روشی که می‌توان از آن استفاده

کرد، پرداختن به جشنواره‌ی الگوهای برتر تدریس در دوره‌ی ابتدایی است. جالب توجه است که تعدادی از معلمانی که در جشنواره‌ی پارسال توانستند مقام اول کشور را کسب کنند همین معلمان دوره‌ی ابتدایی غیر متخصص تربیت‌بدنی بودند.

این نشان می‌دهد که اگر برنامه‌ی جشنواره را روی دوره‌ی ابتدایی متمرکز کنیم مشکلات ما در حال حاضر حل می‌شود، ضمن این که نظر کارشناسان و متخصصان این است که در پایه‌های اول تا پنجم

ابتدایی هم باید از معلمان متخصص تربیت‌بدنی استفاده کرد.

آزمون:

سؤالی که الان بسیاری از معلمان دارند این است که اساساً فلسفه‌ی وجودی و هدف

برگزاری جشنواره‌ی الگوهای برتر تدریس تربیت‌بدنی چیست؟ **رفیعیانی:** ما یک برنامه تحت عنوان کیفیت بخشی درس تربیت‌بدنی داریم که برای تحقق آن ۱۶ یا ۱۷ زیر شاخه فعالیت تعریف شده است. یکی از فعالیت‌هایی که باعث تقویت برنامه‌ی درس تربیت‌بدنی و کیفیت بخشی آن می‌شود، برگزاری همین جشنواره است.

هدف دیگر این است که معلمان تربیت‌بدنی ما یک الگو برای پیاده کردن برنامه‌ی درس تربیت‌بدنی در مدرسه داشته باشند.

جشنواره‌ی الگوهای برتر تدریس با این دو هدف رقم خورد، و حاصل آن این بود که ما به الگوهای لازم برای دوره‌های راهنمایی و متوسطه دست پیدا کردیم و با رسیدن به این مرحله، دیگر نیازی به تکرار آن برای این دوره‌ها نیست. اما برای دوره‌ی ابتدایی باید بیشتر و تقویت شود. ما در حال حاضر ۲۲۱۷ نفر معلم متخصص در دوره‌ی ابتدایی داریم که برگزاری جشنواره، هم برای معلمان متخصص و هم برای آموزگاران دیگری که به این امر در دوره‌ی ابتدایی می‌پردازند بسیار مفید است.

آزمون: دکتر رضائی شما، با توجه به مسئولیتی که قبلاً در این زمینه داشته‌اید و در دانشگاه هم تدریس می‌کنید، نظرتان را درباره‌ی جشنواره‌ی الگوهای تدریس بفرمایید.

دکتر رضائی: به نظر من جشنواره‌ی الگوی تدریس باز بهانه‌ای شده است برای گفتن و نشنیدن. ما عادت کرده‌ایم که بگوییم و نشنویم. آقای رفیعیانی اشاره کردند که درس تربیت‌بدنی در مدارس ما بیش از ۸۰ سال حضور جدی و فعال دارد، منتهی این از منظر کلاس و مدرسه است و نه از منظر برنامه‌ریزان و برنامه‌نویسان. به هر حال چون بچه در هر حال به بازی و تفریح نیاز دارد مدارس ما همیشه ساعتی به نام ورزش را در برنامه داشته‌اند و این خوب است. همه‌ی ما می‌دانیم که بازی بهترین عامل رشد است. کارشناسان تعلیم و تربیت هم معتقدند که تربیت‌بدنی و هنر دو بال اصلی آموزش هستند و می‌توانند به فرایند رشد کمک کنند. با توجه به علاقه‌ای که بچه‌ها به این دو موضوع (تربیت‌بدنی و هنر) دارند، خوش‌بختانه در آموزش و پرورش جدید هم به این دو موضوع اهمیت زیادی داده می‌شود.

اکنون این درس با وجود حضور جدی در مدارس، همواره با مشکلات جدی روبه‌رو بوده است و پس از گذشت ۸۰ سال، هنوز هم کتاب درسی ندارد. وقتی یک درس کتاب ندارد، معنایش این است که برنامه ندارد. وقتی برنامه نبود نمی‌توان به ابعاد گوناگون آن مانند نیروی انسانی اندیشید. فکر می‌کنم در سال ۱۳۰۶ هم که این درس در مدارس شروع شد، مشکل اصلی آن نیروی انسانی بود و هنوز هم مشکل اصلی‌اش نیروی انسانی است. در آن زمان روزی ۲ ساعت ورزش بود و امروز هفته‌ای دو ساعت شده است. یعنی باز همان مشکلات، در ابعاد وسیع‌تر وجود دارد. چون دانش‌آموزان افزایش پیدا کرده‌اند. حالا فرض کنید که دانشگاه می‌خواهد معلم



دانشگاه، معلم، دانش آموز و مجری روشن است که چه باید بکنند. من می‌خواهم بگویم می‌توان برای همه‌ی تکنیک‌ها و تاکتیک‌هایی که قابل آموزش هستند روش‌هایی پیشنهاد یا طراحی کرد. به نظر من در جشنواره‌ی الگوهای برتر تدریس داوران باید از دادن نمره به یک الگوی خاص پرهیز کنند و معلمان را به سمت الگو و روش خاصی جهت ندهند. داوران باید معلمان را آزاد بگذارند و بگویند که ما می‌خواهیم این تکنیک را آموزش بدهیم. من هم تایید می‌کنم که در جشنواره باید به دوره‌ی ابتدایی، به دلیل این که معلمان متخصص تربیت‌بدنی ندارند، توجه بیشتر و بهتری شود.

آزمون: ما در آموزش تربیت‌بدنی حدود

یازده الگو داریم، اما همان‌طور که آقای

دکتر رضانی اشاره کردند، ما به تعداد

آدم‌ها، روش‌های تدریس داریم. حالا

از خانم محمدیان خواهش می‌کنم

که با توجه به تجاربی که در این

زمینه دارند، نظرات خودشان

را درباره‌ی جشنواره‌ی الگوها و

روش‌های تدریس بیان کنند.

محمدیان: من هم از کسانی

بوده و هستم که به جشنواره نقد

دارند. حتی همان زمان که در

وزارتخانه بودم، هم نقد داشتم.

به نظر من، مدل را افراد مختلف

می‌سازند و هریک از آن‌ها را به

عناصر مختلفی محدود می‌کنند؛

پس مدل‌ها همه نسبی هستند.

ممکن است یک مدل با یک طرح درس در

این کلاس جواب بدهد و در

کلاس دیگر جواب ندهد.

من امسال در مدرسه‌ی

فرزانگان دو کلاس

داشتم که مدل و طرح

درس برای هر دو یکی

بود. در یک کلاس

من، این مدل و طرح

درس بسیار جواب

داد و باعث شادایی

بچه‌ها شد. ولی در

کلاس دیگر

خمودگی

ایجاد کرد که

برای این درس تربیت کند، ولی سؤال این است که معلم باید چه چیزی را تدریس کند؟ مشخص نیست که معلم چه چیزی را باید درس دهد. به همین دلیل هر شخصی با توجه به توانایی، علاقه، استعداد و تجربه‌ی خودش می‌آید درس می‌دهد. معلمی که باید برای یک کار ویژه تربیت شود برای همه چیز تربیت می‌شود. شما اگر به نیروی انسانی آموزش و پرورش در زمینه‌ی تربیت‌بدنی نگاه کنید، خواهید دید که معلمان از همه فرقه‌ای هستند. فکر کنم آن زمان که ما بررسی کردیم، فارغ‌التحصیلان بیش از ۳۰ رشته در تربیت‌بدنی مشغول به تدریس بودند و این یعنی فاجعه. سؤالی که این‌جا مطرح می‌شود این است که کدام بخش، کار را اشتباه انجام می‌دهد؟ بخش تربیت نیروی انسانی، بخش اجرایی یا بخش طراحی؟ به نظر می‌رسد که این مجموعه هیچ‌وقت نتوانسته است در آموزش و پرورش یک برنامه‌ی منسجمی برای این کار فراهم کند. با وجود این، دوستان و همکاران همواره تلاش کرده‌اند و هیچ‌وقت کم نگذاشته‌اند و همه متخصصان این بخش فعالیت کردند که نتیجه‌ی کار آن‌ها این شد که برنامه‌ی راهنمای معلم این درس برای دوره‌ی ابتدایی تدوین و منتشر شد و همه‌ی مراحل برنامه‌های که در دفتر تألیف برای دوره‌های راهنمایی و متوسطه پیش‌بینی شده بود اجرا شد. در دانشگاه هم برای تربیت نیرویی که بخواهد این برنامه‌ها را آموزش دهد، طراحی و برنامه‌ریزی کردیم. واحدهایی پیش‌بینی کردیم که در داخل همین برنامه بود و معلمان می‌بایست آن‌ها را می‌گذراندند.

نکته‌ی دیگر درباره‌ی روش تدریس است. وقتی که من در مرکز تربیت‌معلم شهید دستغیب، روش تدریس را درس می‌دادم، به دانشجویان می‌گفتم: «ما به تعداد آدم‌های روی کره‌ی زمین روش تدریس داریم. روش‌های تدریس موجود دنیا این‌ها هستند و این که کدام بهتر است من نمی‌دانم.» من در آن‌جا نمی‌گفتم کدام روش بهتر است. چون معتقد بودم که اگر معلم روش تدریس و مبانی آن‌ها را بفهمد، خودش می‌تواند متناسب با نیازش بهترین روش را انتخاب کند.

امروز هم در دنیا، دیگر بحث مکان آموزشی را مطرح نمی‌کنند و می‌گویند در هر فضایی مانند کلاس، بیرون کلاس، پارک، باغ، کنار دریا، بیابان، کوه و... می‌توان آموزش را جاری کرد و می‌شود روش‌های خاص خودش را هم پیدا کرد. به نظر من امروز باید معلمان را آماده کرد تا بتوانند در همه‌ی فضاها و همه‌ی مکان‌ها، چه با امکانات و چه بدون امکانات آموزش بدهند.

جشنواره‌ی الگوهای تدریس با این هدف ایجاد شد که معلمی بیاید و از خودش خلاقیت نشان دهد و بگوید، مثلاً اگر می‌خواهید تعادل را در دوره‌ی ابتدایی آموزش بدهید، با این روش آموزش دهید و معلم دیگر روش دیگری را... اما این که کدام روش را انتخاب کنیم باید در دست خود معلم باشد.

من فکر می‌کنم اگر اجازه بدهند که برنامه بیرون بیاید، تکلیف

رفیعیانی:
 معتقدم که برگزاری جشنواره
 الگوهای برتر تدریس تربیت‌بدنی
 برای دوره‌های راهنمایی و متوسطه
 کارساز و مؤثر نیست.





گفتند که این حرف‌ها کاملاً کلیشه‌ای

است برای کار در مدرسه‌ی ما جواب نمی‌دهد و

موضوع را زیر سؤال بردند. البته، من در آن‌جا، از جشنواره دفاع کردم و گفتم که اهداف این کار چیست، و سعی کردم که نظر همکاران را یک مقدار تعدیل کنم تا قبل از این‌که در مقابل جشنواره موضع انکار بگیرند آن را نقد کنند. من حتی با معلمانی که در جشنواره‌ی کردستان صاحب‌مقام شده بودند صحبت کردم. همه‌ی آن‌ها می‌گفتند که جشنواره دارای همان اطلاعات قبلی بود و چیز تازه‌ای نداشت. با توجه به این تجربه، من فکر می‌کنم جشنواره‌ی الگوهای تدریس باید به سمت‌وسویی برود که خلاقیت معلمان را بالا ببرد و آن‌ها را به این سمت‌وسو هدایت کند. انعطاف‌پذیری خیلی مهم است. در انعطاف‌پذیری است که خلاقیت رشد می‌کند و نوآوری‌ها به‌وجود می‌آید.

آزمون: آقای رفیعیانی فرمودند که کیفیت‌بخشی به روش‌های تدریس یکی از اهداف جدی این جشنواره است، آقای دکتر رضانی هم به تعدد روش‌های تدریس اشاره کردند و خانم محمدیان هم معتقدند که این جشنواره نتوانسته است اهداف مورد نظر همکاران حوزه‌ی ستادی را برآورده کند. حالا من از آقای رفیعیانی، به‌عنوان کسی که در این زمینه مسئولیت دارد، می‌خواهم سؤال کنم که آیا بهتر نیست برگزاری جشنواره را برعکس کنیم، یعنی به‌جای این‌که معلمان را بیاوریم تا طرح‌ها و مدل‌های خود را نمایش دهند و ما آن‌ها را داوری کنیم، داوران به سر کلاس‌ها بروند و کارهای آن‌ها را داوری کنند؟ آن‌هم به این‌صورت که کشور را به پنج قطب تقسیم کنیم و در هر قطبی داوران به شکل سرزده، در شرایط واقعی مدارس که امکانات ندارند، به مدارس بروند و ببینند معلمان چه کار می‌کنند. بعد اطلاعات ۱۰ یا ۲۰ نفر از همین معلمان را در سطح کشور جمع‌آوری کنیم و در هر قطب یکی از معلمانی را که بهترین الگو و روش را داشته است انتخاب کنیم و یک جشنواره بگذاریم و از آن‌ها بخواهیم که آن را اجرا کنند و بعد بهترین‌های این روش تدریس‌ها را به‌عنوان یک الگو برای اجرا (نه به‌عنوان یک الگوی تدریس که ما روی آن حرف داریم) انتخاب کنیم و در مدارس توزیع کنیم. سؤال من این است که آیا این کار از منظر اداری شدنی است یا نه؟

رفیعیانی: این یک پیشنهاد است و باید در کمیته‌ی برنامه‌ریزی درسی مطرح شود تا ببینیم نظر سایر همکاران چیست. من خودم با این پیشنهاد موافق هستم. قطعاً این روش کم‌هزینه‌تر است از این‌که بخواهیم جشنواره‌ی سراسری برگزار کنیم. همان‌طور که اشاره شد اسم این کار جشنواره است ولی

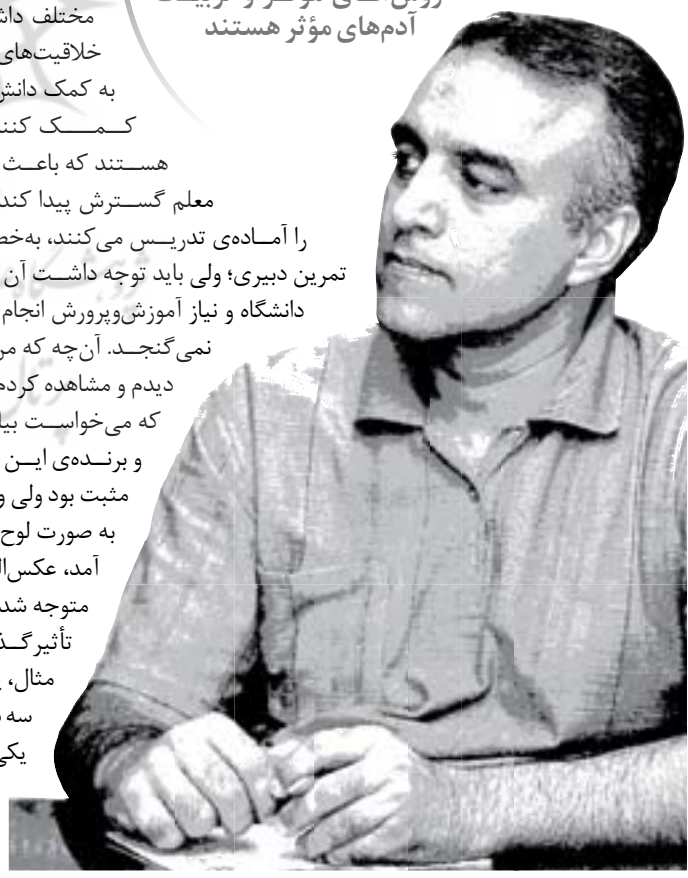
مجبور شدم هم

مدل و هم طرح درس را عوض کنم. هدف من این بود که پرتاب سه امتیازی را در آن‌ها تقویت کنم. وقتی من با طرح درس‌هایی که در دانشگاه آموخته بودم جلو رفتم، دیدم به هدف نمی‌رسم و مجبور شدم از بازی‌های کاملاً متفاوت استفاده کنم. از این جهت رفتم از بازی‌های برون محلی استفاده کردم و آن کلاس با بازی‌های برون محلی جواب داد. به همین دلیل، حالا، پس از این همه سابقه‌ی تدریسی که در مدارس مختلف داشته‌ام، معتقدم که خلاقیت‌های متفاوت را باید به کمک دانش‌آموز آورد. مدل‌ها کمک‌کننده‌ها و ابزارهایی هستند که باعث می‌شوند خلاقیت معلم گسترش پیدا کند. دانشگاه‌ها معلمان را آماده‌ی تدریس می‌کنند، به‌خصوص با درس‌های تمرین دبیری؛ ولی باید توجه داشت آن تلفیقی که باید بین دانشگاه و نیاز آموزش و پرورش انجام شود، در قالب مدل نمی‌گنجد. آن‌چه که من در این جشنواره دیدم و مشاهده کردم، شاید برای معلمی که می‌خواست بیاید و طرح ارائه کند و برنده‌ی این میدان شود، کاری مثبت بود ولی وقتی نتایج جشنواره به صورت لوح فشرده به مدارس آمد، عکس‌العمل‌هایی دیدم که متوجه شدم جشنواره‌ها خیلی تأثیرگذار نیستند. برای مثال، یک‌بار که ما معلمان سه دوره نشستیم بودیم و یکی از این سی‌دی‌ها را بررسی می‌کردیم.

چند تا از معلمان بلند شدند و

آزمون:

امروزه در حوزه‌ی ادبیات پژوهشی که در حوزه‌ی تدریس است و بسیاری از کشورها به آن توجه جدی دارند، موضوع «تدریس مؤثر» و «معلم مؤثر» مطرح است و بیشتر کشورها به دنبال یافتن روش‌های مؤثر و تربیت آدم‌های مؤثر هستند





جشنواره موافقاند و تنها روی روش اجرای آن و این که چه اهدافی را باید دنبال کند یک مقدار حرف دارند. من می‌خواهم یک نکته را، با توجه به صحبت‌های خانم محمدیان درباره‌ی نظرهایی که معلمان می‌دهند بگویم، و آن این است که این شیوه اظهارنظرها یک مقدار به فرهنگ ما برمی‌گردد و آن این است که همه فکر می‌کنند که این کاری که خودشان دارند انجام می‌دهند بهترین کار است.

محمدیان:

من فکر می‌کنم جشنواره الگوهای برتر تدریس تربیت‌بدنی باید به سمت وسویی برود که خلاقیت معلمان را بالا ببرد

کشور ما هم غالب است. این بیشتر به روش‌های آموزش سنتی و قدیم ما برمی‌گردد. هرکس فکر می‌کند که همان راه کار خودش صحیح است. این‌گونه افراد می‌گویند یا این و یا آن! ولی من می‌گویم هم می‌شود این باشد و هم آن و به شکل موازی شیوه‌ها و روش‌های متفاوتی را به کار گرفت. الگوها و روش‌ها در تضاد با هم نیستند و حتی می‌توانند به همدیگر کمک کنند، منتهی آن نکته‌ی اصلی که خانم محمدیان فرمودند، یعنی هدف، نباید عوض شود؛ چون هدف نکته‌ی کلیدی است. روش و الگوست که می‌تواند عوض شود. بنابراین اصل هدف جشنواره است و روش‌ها می‌توانند تغییر کنند.

آن موقع هم من معتقد بودم که باید محدودیت بگذاریم و الان هم در ورزش قهرمانی و در شنا من این کار را کرده‌ام و گفته‌ام که اگر یک نفر در سال دو بار قهرمان شد، بار دیگر حق ندارد بیاید در این سطح

ما حالت رقابت به آن داده‌ایم. اگر ما نتایج این جشنواره را طی سال‌هایی که برگزار شده است بررسی کنیم، خواهیم دید که همهی مخاطبان ما تکراری هستند. یعنی کسی که سال گذشته اول شده است، امسال هم جزء اول تا سوم‌ها بوده است. تنها در دوره‌ی ابتدایی است که معمولاً مخاطبان تکراری نیستند. خلاصه این که من بحث جشنواره را برای افراد حرفه‌ای یا با سابقه مفید نمی‌دانم؛ چون آن‌ها احساس نیازی به الگوهای تدریس نمی‌کنند. نکته‌ی دیگر این که ما در جشنواره، اول نفرات برتر را انتخاب می‌کنیم و بعد از آن‌ها می‌خواهیم که الگوی خود را اجرا کنند تا فیلم‌برداری شود و فیلم را برای مدارس بفرستیم. روشن است که وقتی به آن‌ها می‌گوییم می‌خواهیم از الگوی شما فیلم تهیه کنیم آن‌ها تحت تأثیر جو روانی فیلم‌برداری، طرح را تصنعی اجرا و ارائه می‌کنند و این طبیعی نیست. اگر ما قبل از این که نفرات برتر را تعیین کنیم فیلم‌برداری کنیم، نتیجه‌ی کار طبیعی‌تر می‌شود و می‌توان بهتر الگو برداری کرد. این‌ها نکته‌هایی است که به جشنواره وارد است. اما برنامه‌های مربوط به دانش‌افزایی دوره‌ی ابتدایی‌مان را دنبال می‌کنیم و با دانشگاه مکاتبه کرده‌ایم که به جای دو یا پنج واحد، ۲۰ واحد برای معلمان ابتدایی بگذارند. حتی گفته‌ایم که یک دوره‌ی ۱۲۰ ساعته، علاوه بر آن دوره‌ی ۳۲ ساعته متناسب با اهداف برنامه‌ی درسی تربیت‌بدنی و فعالیت‌های فوق برنامه طراحی شود.

آزمون: سؤالی که خوب است این جا روشن و پاسخ داده شود این است که در این جشنواره باید «الگو» دنبال شود یا «روش تدریس»؟ به عبارت دیگر اسم این جشنواره را باید جشنواره‌ی الگوی تدریس گذاشت یا روش‌های تدریس؟ چون ممکن است یک کسی بیاید و بگوید این الگو نیست و روش تدریس است و شخص دیگری برعکس بگوید.

به هر صورت، در کنار فعالیت‌های رسمی آموزشی معلمان، نه تنها به یک جشنواره بلکه شاید چهار جشنواره نیاز داریم تا هر معلم، در طول سال، در گوشه‌ای از ذهنش توجه به این جشنواره‌ها داشته باشد. آقای دکتر رضانی نظر شما در این زمینه چیست؟
دکتر رضانی: به نظر من همه با ضرورت وجودی این



بدهد به شدت نیازمندیم. شاید ما در جلسات کارشناسی مان به نتایج دیگری برسیم و مثلاً نیاز باشد در مورد مفید بودن یا نبودن جشنواره یک پژوهش انجام دهیم. برای مثال خوب است پرسش‌نامه‌ای طراحی شود و از معلمانی که مقام کسب کرده‌اند بخواهیم به پرسش‌ها جواب دهند و ببینیم که نظر آن‌ها درباره‌ی این جشنواره چیست. امروز در دنیا کارهای اداری را از پایین به بالا دنبال می‌کنند، نه از بالا به پایین! چون دیده‌اند برنامه‌هایی که از بالا به پایین بوده، شکست خورده است.

من نمی‌توانم با قاطعیت بگویم که این جشنواره اثربخش هست یا نیست، اما آن‌چه که از این جشنواره مشاهده می‌شود به نظر می‌رسد به نسبت آن چیزی که حوزه‌ی ستادی و ادارات کل استان‌ها و مناطق و معلمان برای آن هزینه می‌کنند، بهره‌وری و اثربخشی ندارد. گیریم یک یا چند روش مؤثر تدریس هم از آن بیرون بیاید ولی کافی نیست. باید تلاش شود که جشنواره از جهت نظری به سمت روش‌های مؤثر حرکت کند و برنامه‌اش را به‌طور کامل روی اثربخشی بگذارد و هدف تربیت‌بدنی که در حوزه‌ی ستادی، قانون اساسی، طرح جامع ورزشی و ورزش پرورشی تعریف شده است به‌عنوان مینا قرار داده شود. اساساً اگر در آموزش و تدریس، این اثربخشی وجود نداشته باشد نمی‌توانیم جلو برویم.

نکته‌ی دیگر این‌که، اگر قرار باشد در این موج تغییر، این جشنواره تغییر کند، آموزش‌های معلمان هم باید تغییر پیدا کند و به سمت اثربخشی سوق داده شود. ما در آموزش ضمن خدمت به معلمان آموزش قهرمانی می‌دهیم و از آن طرف انتظار داریم که آن‌ها تربیت‌بدنی از نوع اثربخش را آموزش بدهند. من یک‌بار که فرصت داشتم و بررسی کردم دیدم که ظرف دو ماه، ۳۰ بخشنامه برای معلم تربیت‌بدنی آمده است که ۲۳ تا از آن بخشنامه‌ها مربوط به فعالیت‌های فوق‌برنامه بود! کارشناسان حوزه‌ی ستادی باید این‌ها را ارزیابی کنند. فرمایش آقای رفیعیانی درست است که اکثر بودجه به سمت کارهای فوق‌برنامه می‌رود. فوق‌برنامه به شرطی برای ما مناسب است که مکمل درس تربیت‌بدنی باشد؛ ولی الان فوق‌برنامه دارد ریشه‌ی درس تربیت‌بدنی را می‌خشکاند.

آزمون: از مجموع این بحث‌هایی که شد من نتیجه می‌گیرم که این جشنواره علاوه بر هدف کیفیت‌بخشی، نیم‌نگاهی هم به آموزش معلمان دارد. در حال حاضر هزینه‌های متوسط این جشنواره در سطح کشوری برای هر نفر در حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان است، در صورتی که سرانه‌ی آموزشی معلمان حدود ۱۵ هزار تومان است. آیا به نظر شما این جشنواره که جنبه‌ی نمایشی دارد، این‌قدر ارزش دارد که ما این‌گونه برای آن هزینه کنیم؟ در صورتی که می‌توانیم این هزینه را به سمت کارهایی که جنبه‌ی آموزشی دارد هدایت کنیم. آیا تاکنون از هزینه و فایده‌ی این جشنواره ارزشیابی شده است؟

رفیعیانی: ما در اداره‌ی کل تربیت‌بدنی توجه اصلی مان به

از مسابقات و باید برود در سطح بالاتر شرکت کند. در جشنواره هم می‌شود برنامه‌ها را طبقه‌بندی کرد و اگر کسی از یک مرحله گذشت به مرحله‌ی بالاتر برود و نخبه‌گزینی شود و این‌ها بیایند روش‌ها و شکل‌های مختلف کارهایی را که به نظرشان می‌رسد بگویند. باز هم تأکید می‌کنم کسی که این روش و یا الگو را مطرح می‌کند، اصرار نداشته باشد که فقط روش خودش درست است و لاغیر؛ حتماً بپذیرد که روش‌های دیگری هم ممکن است باشد. همین‌طور، آن کسی هم که دارد نگاه می‌کند باز نگوید که من هیچ چیز یاد نگرفتم. من بعید می‌دانم که کسی حتی چهار جمله بشنود و هیچ چیز یاد نگیرد. حتماً یک چیزی یاد می‌گیرد به شرط آن که آمده باشد که یاد

بگیرد نه این‌که یاد بدهد. من همیشه در کلاس درس خیلی چیزها را از دانشجویان یا از همکاران یاد گرفته‌ام و یاد می‌گیرم. من فکر می‌کنم که یک‌مقدار باید روی فرهنگ این جشنواره هم کار شود و بپذیریم که اولاً همه آن را نقد کنند و ثانیاً با روش‌های زیادی می‌توان آن را اجرا کرد. نکته‌ی اصلی اهداف و داشتن برنامه است.

آزمون: امروزه در حوزه‌ی ادبیات پژوهشی که در حوزه‌ی تدریس است و بسیاری از کشورها به آن توجه جدی دارند، موضوع «تدریس مؤثر» و «معلم مؤثر» مطرح است و بیشتر کشورها به دنبال یافتن روش‌های مؤثر و تربیت آدم‌های مؤثر هستند. به نظر شما جشنواره‌ی الگوهای تدریس چقدر به این دو موضوع، یعنی روش مؤثر و معلم مؤثر نزدیک شده است؟

خانم محمدیان: اثربخشی یعنی این‌که یادگیری اتفاق بیفتد، یعنی اگر آموزشی داده می‌شود حتماً به هدف آن آموزش برسیم. آقای آزمون پیشنهاد دادند که داوران بروند و به‌طور سرزده از کلاس‌ها بازدید کنند. این یک راه است، و به نظر من راه‌های دیگری هم وجود دارد که خوب است روی آن‌ها کار کارشناسی شود از آن‌ها هم استفاده شود. من فکر می‌کنم بعد از سال‌ها اجرا کردن جشنواره با این شیوه دیگر صحیح نیست آن را تکرار کنیم و لازم است تغییر کند. ما ناگزیر به تغییر هستیم. چون تنوع نیاز دانش‌آموزان افزایش پیدا کرده است. تنوع نیاز معلمان هم که قرار است آموزش بدهند زیاد شده است.

مدارس هم تغییر پیدا کرده‌اند. ما در این موج تغییر نمی‌توانیم به جشنواره‌ای که شش سال است به یک شکل برگزار می‌شود متکی شویم. ما به روش‌هایی که انگیزه‌ی معلمان را افزایش

«دراگر» می‌گوید:
«اگر می‌خواهید تغییر ایجاد کنید، بهتر است با منطق دیروز نباشد.»

مدرسه، کیفیت بخشی، اثربخشی و آموزش است. کارآیی یعنی درست انجام دادن کارها و اثربخشی به معنی انجام دادن کارهای درست است. رویکرد ما در جشنواره‌ی الگوهای تدریس رویکرد اثربخشی است و به هیچ وجه رویکرد رقابتی نباید باشد و اگر در گذشته بوده است باید در این رابطه بازنگری شود. من هم قبول دارم که در رابطه با هزینه و فایده‌ی جشنواره باید ارزشیابی صورت گیرد. هزینه‌ی مسابقات ما برای ۱۸ هزار نفر در حدود پنج تا شش میلیارد شد ولی برای جشنواره که سرجمع آن ۲۰۰ نفر نمی‌شد بیش از ۱۰۰ میلیون تومان بود که باید سرجمع آن گرفته شود که برای هر نفر چقدر هزینه شده است. بنابراین در همه‌ی برنامه‌ها، حتی در کلاس‌های مربی‌گری و داوری رویکرد ما رویکرد مدرسه‌محوری است.

دکتر رمضانی: بحث روش مؤثر و معلم مؤثر که آقای آزمون روی آن دست گذاشتند چیزی است که سازمان ملل متحد هم روی آن تأکید زیادی دارد. سازمان ملل می‌گوید محور توسعه، نیروی انسانی است. یعنی اگر نیروی انسانی خوب تربیت کنید، خودش ایجاد خلاقیت می‌کند و تغییرات بزرگ به وجود می‌آورد. برای مثال می‌توان گفت که سرنوشت جنگ جهانی دوم را میلیون‌ها سرباز و کشته تعیین نکردند، بلکه فکر یک نفر به نام انشتین بود که تئوری بمب اتمی را داد که وقتی ساخته شد سرنوشت جنگ را تعیین کرد. این بمب اگر دست هر کس دیگری جز آمریکا هم بود، سرنوشت جنگ را تعیین می‌کرد. بنابراین نقش نیروی انسانی، خیلی کلیدی است و اگر خوب گزینش و تربیت شود می‌توان به نتایج خوبی رسید. متأسفانه وقتی آمار می‌گوید که فارغ‌التحصیلان بیش از ۲۰۳ رشته‌ی گوناگون، درس تربیت بدنی را در مدارس تدریس می‌کنند، این یکی از نگرانی‌های اصلی است. طبیعی است که این نیروی انسانی توسعه‌یافته‌ای نیست که بتواند تحولی ایجاد کند.

در رابطه با هزینه و فایده‌ی جشنواره سؤال شد. به نظر من در آموزش نمی‌توان برای آن ملاک تعیین کرد و گفت که این هزینه‌ای که می‌کنیم درست است یا نه. الان هزینه‌ای که ما برای ۱۴ میلیون دانش‌آموز می‌کنیم شاید کمتر کشوری باشد که با این شیوه هزینه کند ولی اگر بتوانیم روش‌هایمان را طوری طراحی کنیم که نتیجه‌ی آن‌ها تربیت معلمان و دانش‌آموزان توسعه‌یافته باشد، کشورمان هم توسعه‌یافته می‌شود. به نظر من این یک بحث فرهنگی است. شما نگاه کنید و ببینید در ژاپن چه اتفاقی افتاده که این‌گونه توسعه یافت. آیا جز نیروی انسانی توسعه‌یافته است که تغییر ایجاد کرده است؟ چیزی که آنجا باعث رشد شد، فقط بحث انسان‌های توسعه‌یافته و آموزش درست است. من می‌گویم هر چقدر در آموزش هزینه شود، استفاده است، منتهی این که روش آن چگونه باشد، باید مورد بحث قرار گیرد. در کشور ما باید افراد بپذیرند که می‌شود روش‌های جدید و الگوهای

جدید هم داشت. این خیلی مهم است که در جامعه، همه مدیر و تصمیم‌گیر نباشند. به دیگران هم اجازه بدهند که فکر کنند. نگوئیم آن چه من می‌گویم درست است. در آن صورت است که هزینه‌های آموزش نتایج خوبی دارد. من با توجه به مطالعات محدودی که دارم می‌دانم که در کشورهای توسعه‌یافته همه‌ی تلاششان برای تربیت نیروی انسانی ماهر است. سازمان ملل چهار یا پنج عامل به‌عنوان عامل‌های توسعه معرفی کرده است که اصلی‌ترین آن‌ها نیروی انسانی ماهر است. بنابراین ما باید برای آموزش و پرورش جایگاه ویژه‌ای قائل باشیم و محیط آرامی برای آموزش دادن و آموزش گرفتن فراهم کنیم.

البته این خود یک بحث جدی است که با چه روش‌هایی می‌توان این محیط را فراهم کرد. اما قطعاً با روش‌های موجود چنین

محیطی فراهم نمی‌شود. خلاصه این که هر برنامه‌ای که می‌خواهد در کشور اجرا شود بدون آموزش امکان‌پذیر نیست. آموزش فقط فایده دارد و هیچ ضرری ندارد؛ البته فراموش نشود که همه‌ی این کارها را زمانی می‌توانیم درست به پیش ببریم که برنامه داشته باشیم. در آن صورت هر هزینه‌ای که شود فایده است و حتماً به نتیجه می‌رسد.

رفیعیانی: من به اطلاع دوستان

برسانم که نگاهت اول کتاب راهنمای معلمان تربیت‌بدنی دوره‌های راهنمایی و متوسطه به اتمام رسیده است و قرار شده است که یک نشست کارشناسی بگذرانند و آن را نهایی کنند. بنابراین الان برنامه‌ی دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه آماده شده است.

آزمون: حدود

هشت یا نه ماه پیش بحث داوری برای همین جشنواره

رفیعیانی:

من بحث جشنواره را برای افراد حرفه‌ای یا با سابقه مفید نمی‌دانم؛ چون آن‌ها احساس نیازی به الگوهای تدریس نمی‌کنند





مطرح بود و آقای شریف تهرانی به من گفت که با داوران همکاری کنم.

در آن زمان بحث چک لیست داوری مطرح

بود. من در آن زمان مطلبی تحت عنوان تدریس مؤثر

ترجمه کرده بودم که خیلی مفید، مؤثر و کاربردی بود. در آن

مقایسه تعریف تدریس مؤثر به این صورت مطرح شده بود که

ما فعالیتی انجام دهیم که به آن اهدافی که برای بچه‌ها انتظار

داریم برسیم. بعد یک مطالعه کردم و دیدم که

اساساً بحث تدریس مؤثر یا معلم مؤثر یا

روش مؤثر سابقه‌های ۱۰۰ ساله و سه

مرحله‌ای در تعلیم و تربیت دارد. در

مرحله‌ی اول که ۶۰ سال، از سال

۱۹۰۰ تا ۱۹۶۰، طول کشیده

بود، برای رسیدن به تدریس

مؤثر، معلم مورد ارزیابی قرار

گرفته بود. در مرحله‌ی دوم

که ۲۰ سال، از سال ۱۹۶۰ تا

۱۹۸۰، طول کشیده بود، همه‌ی

تحقیقات روی دانش‌آموزان انجام

گرفت، چون معتقد بودند که باید

از محصول پی به اثر برد؛ و دانش‌آموزان

محصول معلمان بودند. تا این زمان (۱۹۸۰)،

حرفی از تربیت‌بدنی نبود. مقالاتی که درباره‌ی

تربیت‌بدنی هست از سال ۱۹۸۰ به

بعد است که تاکنون ادامه یافته

است. مقالات تربیت‌بدنی نشان

می‌دهد که در این ۲۰ سال که

وارد شده است، ۸۰ سال قبل

را هم جبران کرده است.

در مرحله‌ی سوم که

از سال ۱۹۸۰ شروع شده

و تربیت‌بدنی هم در آن

حضور داشته است

بیشتر تحقیقات به

این سمت رفته

است که فضای

حاکم بر کلاس

مورد ارزیابی

قرار گیرد،

نه معلم یا

دانش‌آموز.

این فضا ممکن است

یک کلاس چهاردیواری یا یک سالن و یا یک زمین چمن باشد.

سؤال این است که چه جوی باید بر این کلاس حاکم باشد؟

شاخص برای آن تعیین کرده‌اند و بعد گفته‌اند که براساس این

شاخص‌ها ارزیابی کنیم که آیا معلم کاری برای دانش‌آموز کرده

است یا نه و تدریس مؤثر بوده است یا نه؟

حرف من آن روز به دوستان این بود که خاصیت علم این

است که ما روز به روز کارهایمان را نو کنیم و قرار نیست که

به شکل قبل بمانیم؛ حتی اگر می‌خواهیم این جشنواره را حفظ

کنیم. من آن روز گفتم اخیراً آمده‌اند همه‌ی آن شاخص‌هایی را

که حدود ۸۰ تا ۱۰۰ آیتم بوده فشرده کرده‌اند و اگر چه سخت‌تر

شده ولی تخصصی‌تر شده‌اند. الان برای تدریس مؤثر سه شاخص

تعیین کرده‌اند، Good، Happy و Busy؛ و می‌گویند تدریسی

مؤثر است که ما این سه شاخص را در کلاس داشته باشیم. یعنی

بچه‌ها خوب باشند (البته منظور از خوب هم تعریف دارد. منظور

دست به سینه بودن نیست). شاد باشند و مشغول باشند. من از

سه سال پیش تاکنون جشنواره‌های الگوهای تدریس را از نزدیک

نگاه نکرده‌ام. اکنون سؤال من این است که آیا ما می‌توانیم این

جشنواره را با همین شاخص‌ها بسنجیم؟ در فضای کلاس‌ها به

این شاخص‌ها توجه کنیم و خودمان را به‌روز کنیم و به جای

این که یک «لیست» بگذاریم جلوی مان و معلم را از نظر مراحل

شش‌گانه‌ی تدریس ارزیابی کنیم، ببینیم که این سه «شاخص» در

فضای کلاس او حاکم است، یا به جای این چند لیست ببینیم آیا

دانش‌آموزان در کلاس او شاد، مشغول و خوب هستند یا نه؟

دکتر رضائی: این صحبتی که شما کردید شاید خلاصه‌ای

از صحبتی باشد که من کردم و گفتم که به جای چک‌لیست‌ها،

چهار یا پنج مورد را برای ارزیابی در نظر بگیریم. در ارزیابی کارهای

هنری مانند نقاشی هم همین‌طور است. می‌دانید که هیچ‌گاه با برگه‌ی

کنترل نقاشی را ارزیابی نمی‌کنند. این‌گونه ارزیابی می‌کنند که آیا

نقاشی روح دارد، زنده است، پیام دارد، ما از آن خوشمان می‌آید و

یا قابل درک است؟... به یک نقاشی که این ویژگی‌ها را داشته باشد،

می‌توان نمره‌ی قابل قبول داد نه با چک‌لیست. بنابراین نکته‌ای که

شما اشاره کردید که سه یا چهار نفر پیشکسوت به یک مدرسه

دکتر رضائی:

جشنواره الگوهای برتر تدریس
تربیت‌بدنی با این هدف برگزار شد که
معلم بیاید و از خودش خلاقیت نشان
دهد





بروند و نگاه کنند ببینید که چه فضایی بر کلاس حاکم است، درست است. یعنی دقت کنند که آیا معلم با دل و جان کار می‌کند و دانش‌آموزان در کلاس او لذت می‌برند یا نه. نکته‌ای که من در ابتدا به آن اشاره کردم که بچه‌ها این درس را دوست دارند به این خاطر بود که در این درس، هم خوشحال و هم خوب و هم مشغول هستند. بچه‌ها خوب می‌فهمند که معلم، آن‌ها را، به اصطلاح، سرکار می‌گذارد یا دارد چیزی به آن‌ها یاد می‌دهد. آن کلاسی برای دانش‌آموزان لذت‌بخش است که بچه‌ها خودشان بفهمند که چه کار باید بکنند. معلم فقط باید این هنر را داشته باشد که هدف را خوب ترسیم کند و مثلاً بگوید بچه‌ها من می‌خواهم در این جلسه استقامت قلبی عروقی کار کنم. حالا چه روشی را بکار ببرد تا این هدف را درست منتقل کند، هنر معلم این است که بتواند این هدف را پیش ببرد و این هنر مبتنی بر دانشی است که در مرکز تربیت‌معلم یا دانشگاه یاد گرفته و یا در راهنمایی است که در اختیار او قرار دارد.

ایرادی که به کتاب آقای ملکی وارد بود این بود که آن کتاب راهنما نبود. راهنما می‌گوید استقامت قلبی و عروقی. این دانش معلم است که قبلاً یاد گرفته که استقامت قلبی و عروقی را با چه روشی و از چه طریقی می‌توان افزایش داد. این‌که چگونه باید افزایش دهد، پاسخ این است که باید به گونه‌ای افزایش داد که هم بچه‌ها با توجه به سوابق و نشان از این کار لذت ببرند و هم معلم به هدفش برسد که این باز به برنامه برمی‌گردد. من در اولین جلسه‌ای که با مدیر دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی داشتم، گفتم بین کتاب و برنامه، برنامه را انتخاب می‌کنم چون معتقد بودم که اگر برنامه‌ی درس تربیت‌بدنی درست تدوین شود، معلمان ما با توجه به علاقه‌ای که دانش‌آموزان به درس تربیت‌بدنی دارند، دستشان خیلی باز است که این کار را انجام دهند. امروز در همه‌ی مدارس دنیا، همه به این سمت رفته‌اند که دانش‌آموزان احساس کنند که در یک محیط راحت هستند. من وقتی تیم اسکی را به اتریش برده بودم، وقتی بی‌کار بودم، از سر کنجکاوای به مدارس آنجا سر می‌زدم. دیدم وقتی بچه‌ها به مدرسه می‌آیند، لباس‌های فرم خود را درمی‌آورند و لباس راحتی می‌پوشند؛ چون می‌خواستند احساس کنند که در یک محیط راحت هستند و احساس خوشی داشته باشند.

اگر ما بخواهیم دانش‌آموزان رشد کنند، باید بتوانیم برای آن‌ها محیطی را فراهم کنیم که در آن احساس لذت کنند. این موضوع صرفاً مربوط به درس تربیت‌بدنی نیست. برای همه‌ی

درس‌ها مثل فیزیک، شیمی و غیره هم هست. اگر دانش‌آموزان در مدرسه احساس لذت کنند و فضای لازم فراهم باشد و طرح درسی درست باشد، آموزش را می‌گیرند. البته باز هم باید توجه داشت که آن برنامه نباید حتماً یک برنامه‌ی کلاسیک و یکسان برای همه‌جا باشد.

برنامه هم امروز شناور است. چهار شاخص مشخص می‌کنند و به معلم می‌دهند و می‌گویند ما این آیتم‌ها و شاخص‌ها را می‌خواهیم و خودتان بروید آن را محقق سازید. حالا معلم با چه روشی می‌خواهد این کار را انجام دهد، آزاد و مختار است که خودش روش مناسب را پیدا کند.

رفیعیانی: من هم صحبت‌های آقای دکتر رضایی را در رابطه با ضرورت تدوین برنامه تأیید می‌کنم و بر همین اساس است که برای تدوین برنامه‌ی درس تربیت‌بدنی فعالیت‌هایی در پیش داریم. در رابطه با سه آیتم خوب بودن، شاد بودن و مشغول بودن، باید عرض کنم که من هم موافقم که باید فضای کلاس‌ها به این سمت پیش بروند، ولی

آزمون:

الان برای تدریس مؤثر سه شاخص تعیین کرده‌اند، Happy، Good، و Busy؛ و می‌گویند تدریسی مؤثر است که ما این سه شاخص را در کلاس داشته‌باشیم



و این سه مؤلفه، هدف‌های مهم تربیت‌بدنی هستند. جشنواره باید با منطق امروز تغییر ایجاد کند. تجربه هم دارد و می‌تواند با یک روش دلخواه این کار را بکند. تهیهی استاندارد یک دوره‌ی کوتاه فرصت می‌خواهد و به تدریج پیش می‌رود. من فکر نمی‌کنم کار نشدنی باشد. البته آقای رفیعیانی راه سنگینی در پیش دارند، چون با حذف معاونت تربیت‌بدنی، الان همه‌ی مسائل تربیت‌بدنی در یک اداره خلاصه شده است. بنابراین اگر روی مسئله‌ی جشنواره وقت گذاشته شود و حتی برون‌سپاری شود، می‌توان با تدریس روش خلاقانه در تربیت‌بدنی، به موفقیت‌های خوبی دست یافت. به نظر من اگر روش‌های تدریس به این سمت‌وسو برود، فکر می‌کنم اطلاعات عظیمی را می‌تواند به معلم‌ها بدهد که شاید با آن آموزش‌های ۱۲۰ ساعته‌ی سالانه می‌تواند برابری کند.

دکتر رضانی: به نظر من در جشنواره می‌توان از روش‌های زیادی استفاده کرد. مثلاً اگر از معلمان خواسته شود که نظرات خود را بنویسند، باز روش‌های جدیدی ارائه می‌شود. یکی از روش‌هایی که امروز در دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد، استفاده از ویدیوهای خانگی است که به شکل‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. ممکن است یک معلم یک کاری را در جایی انجام دهد و آن را بتواند ارائه کند و فیلمش را برای شما ارسال کند و بگوید که من این‌گونه تدریس می‌کنم. اگر بستر فراهم باشد، معلمان خودشان می‌توانند روش‌هایی را که مورد استفاده قرار می‌دهند برای تربیت‌بدنی آموزش و پرورش بفرستند و آموزش و پرورش هم اعلام کند که آمادگی بررسی آن‌ها را دارد و حتی بهترین جایزه را برای آن‌ها پیش‌بینی کند. چه بسا لازم نباشد حتی جشنواره برگزار و برای آن هزینه بکنیم. یعنی معلم خودش، روش کارش را بنویسد و بفرستد و مورد بررسی قرار گیرد. ما چون معلم بوده‌ایم می‌دانیم معلمانی هستند که کارهای فوق‌العاده‌ای انجام می‌دهند که ممکن است اصلاً به ذهن ما نرسد. اگر مسیر باز شود و یا حتی از طریق مجله‌ی رشد تربیت‌بدنی این اتفاق بیفتد، یک باب جدیدی در این موضوع باز می‌شود.

برای طرح آن‌ها در جشنواره یک مقدار مشکل می‌بینم. زیرا ممکن است که یک داور، یک کار را خوب بداند و داور دیگری آن را بد بداند. قضاوت و اندازه‌گیری در جشنواره با این سه شاخص کار آسانی نیست.

خانم محمدیان: من برای این که نظرم را کامل عرض کنم، از «پیتر دراگر» یک جمله قرض می‌گیرم. «دراگر» می‌گوید: «اگر می‌خواهید تغییر ایجاد کنید، بهتر است با منطق دیروز نباشد.» یعنی هر تغییری، منطق امروزی خودش را می‌خواهد. آن چیزی که شما به‌عنوان فضای کلاس اشاره کردید، در روش تدریس خلاقانه، مطرح شده و می‌گوید معلم نباید نگهدار بچه‌ها باشد و آن‌ها را سر کار بگذارد.

تدریس خلاقانه می‌گوید دانش‌آموز باید معلم یار باشد و معلم در هر جلسه باید به کمک دانش‌آموز یک روش جدید پیدا کند. به نظر من این سه نکته (خوب، شاد و مشغول)، سه هدف مهم تربیت‌بدنی است. همه‌ی بحث تربیت‌بدنی، شاد بودن است. در بحث روانی می‌گوید شاد باش و در بحث سلامتی هم سلامتی را مطرح می‌کند. بنابراین ما می‌توانیم در جشنواره این تغییر را با منطق امروز جلو ببریم. البته طراحی شاخص‌ها نیازمند مطالعه توسط یک تیم در یک مدت زمان مشخصی است. ما خودمان می‌توانیم تست و استاندارد بسازیم. مگر استنفورد بینه چگونه تست هوش خود را ساخت؟ او با یک مشکل و چالش برخورد کرد و به تدریج ظرف ۱۰ سال، یک تست ساخت. الان هم هر سال مؤسسه‌ی استنفورد بینه، تست خودش را تغییر می‌دهد و آن را جدید می‌کند. شما به نقطه‌ی خوبی رسیده‌اید

دکتر رضانی:
اگر ما خواهیم دانش‌آموزان رشد کنند، باید بتوانیم برای آن‌ها محیطی را فراهم کنیم که در آن احساس لذت کنند. این موضوع صرفاً مربوط به درس تربیت‌بدنی نیست. برای همه‌ی درس‌ها مثل فیزیک، شیمی و غیره هم هست



در صورتی که شاید بتوان بدون بودجه هم این کار را کرد. در دنیا این کار را می‌کنند. یک سی‌دی از خود معلمان گرفته می‌شود و حداکثر این است که یک جایزه به او می‌دهند و این سی‌دی را در اختیار دیگران قرار می‌دهند.

رفیعیانی: الان جامعه‌ی آماری ما خیلی محدود است، در صورتی که می‌توان این را از طریق شبکه‌ی مجازی، اینترنت یا مجله‌ی رشد گسترش داد. و از معلمان بخواهیم که روش‌های تدریس خود را مکتوب کنند. ما می‌توانیم از طریق مجله‌ی رشد اطلاعاتی چاپ کنیم و حتی برای انگیزه‌بخش بودن آن هدایایی هم در نظر بگیریم تا الگوهای روش تدریس ارائه شوند و پس از ارزیابی مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

دکتر رضانی:

ما باید این مسیر را باز کنیم که معلمان بگویند چه باید کرد. اجازه بدهیم که معلمان بگویند، نقد کنند و بنویسند. در آن صورت همه فکر می‌کنند و نظر می‌دهند. ما باید بیشتر را فراهم کنیم تا این نظرها بیاید و در جایی جمع‌بندی شود

آزمون: من از طرف نشریه‌ی رشد آموزش تربیت‌بدنی به شما قول می‌دهم که در جهت تهیه‌ی روش‌های تدریس تربیت‌بدنی، هر نوع همکاری با آموزش و پرورش و معلمان داشته باشیم. از محبتی که نسبت به مجله‌ی رشد آموزش تربیت‌بدنی دارید، سپاسگزاریم.

نکته‌ی دیگر این است که بدانیم وقتی دانش‌آموزی را در سال اول ابتدایی به ما می‌سپارند، در آخر از ما چه می‌خواهند. در حال حاضر، خوشبختانه یا متأسفانه، تکلیف این وضع در مملکت ما روشن نیست. ما نمی‌دانیم این دانش‌آموز چه می‌خواهد بشود؟ آیا او باید یک آدم شاد و مشغول، یا یک آدم مبتکر، یا یک آدم حرف‌گوش کن بشود؟ این موضوع روشن نیست. ما همه‌ی کارها را با روش آزمایش و خطا پیش می‌بریم تا ببینیم آخرش چی از آب درمی‌آید. در دانشگاه هم همین‌طور است. ما واقعا نمی‌دانیم دنبال چه هستیم. شاید یکی از دلایل وضع موجود این است که در حوزه‌های ستادی این‌گونه فکر می‌شود که فقط ما هستیم که باید بگوییم که چه کار باید کرد، و نیازی هم نمی‌دانند که از معلمان کمک گرفته شود. ما باید این مسیر را باز کنیم که معلمان بگویند چه باید کرد. اجازه بدهیم که معلمان بگویند، نقد کنند و بنویسند. در آن صورت همه فکر می‌کنند و نظر می‌دهند. ما باید بیشتر را فراهم کنیم تا این نظرها بیاید و در جایی جمع‌بندی شود. ما برای توسعه و رشد جامعه و کشور نیازمند آدم سالم هستیم. وظیفه‌ی ما در تربیت‌بدنی و کارهای فوق‌برنامه این است که این آدم سالم را بسازیم. بنابراین باید اجازه بدهیم که نه تنها این جشنواره، بلکه ده‌ها جشنواره‌ی دیگر به شکل‌های مختلف و حتی بدون هزینه برگزار شود. امروز یک نکته‌ی مهم و ظریف این است که ما فقط در پی «مدیریت هزینه» نباشیم. امروز در هر اداره‌ی که وارد می‌شوید، می‌گویند که بودجه‌ی ما کم است.

